

نوسازی سیاسی در عصر مشروطه‌ی ایران

حسن قاضی‌مرادی



نشر اختران

قاضی مرادی، حسن
نوسازی سیاسی در عصر مشروطه‌ی ایران / نویسنده حسن قاضی مرادی. —
تهران: اختران، ۱۳۸۵.

ISBN 964-7514-88-3

۳۱۲ ص.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

نماینه ۳۰۷-۳۱۲

۱. ایران -- تاریخ -- انقلاب مشروطه، ۱۳۲۲-۱۳۲۷ ق. ۲. ایران -- سیاست و

حکومت -- قرن ۱۴. الف. عنوان.

۹۵۵/۰۷۵

۹ ن ۲ ق ۳۱۰۷/۷

م ۸۵ ۲۱۰۱۱

کتابخانه ملی ایران



نشر اختران

نوسازی سیاسی در عصر مشروطه‌ی ایران

نویسنده: حسن قاضی مرادی

طراح جلد: ابراهیم حقیقی

شماره‌ی نشر ۹۸

چاپ اول: ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: فرارنگ -- صحافی: دیدآور

تلفن انتشارات: ۶۶۴۱۰۲۲۵ -- تلفن فروشگاه: ۶۶۴۱۱۴۲۹ -- ۶۶۹۵۲۰۷۱

www.akhavanbook.com

Email: info@akhavanbook.com

ISBN 964-7514-88-3

شابک: ۹۶۴-۷۵۱۴-۸۸۲

کلیه حقوق برای نشر اختران محفوظ است

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۷
فصل اول: گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی متجدد در جوامع غیر غربی	۱۱
۱-۱- جوامع غیر غربی در آستانه‌ی دوره‌ی گذار	۱۲
۲-۱- جامعه‌ی سنتی غیر غربی در برابر آئینه‌ی مدرنیته‌ی غرب	۱۷
۳-۱- مدرنیته (تجدد) و مدرنیزاسیون (نوسازی)	۳۶
۴-۱- از نوسازی به تجدد: گذار جامعه‌ی غیر غربی	۵۳
۵-۱- مدرنیزاسیون تجویزی غرب و شبه‌مدرنیزاسیون	۶۵
۶-۱- خلاصه‌ای از مطالب فصل اول	۷۵
فصل دوم: عمل و اندیشه‌ی گذار به جامعه‌ی متجدد در عصر مشروطه‌ی ایران	۷۹
۱-۲- روند نوسازی از بالا در دوره‌ی قاجاریان	۸۰
۲-۲- راهکارهای روشنفکران برای گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی متجدد	۱۲۷
۱-۲-۲- گذار از سنت به تجدد: تقدم تجدد (مدرنیته) بر نوسازی (مدرنیزاسیون)	۱۳۱
- میرزا فتحعلی آخوندزاده	۱۳۲
- داریوش آشوری - موسی غنی‌نژاد	۱۴۵
- جواد طباطبایی	۱۵۷
۲-۲-۲- حفظ فرهنگ بومی و "ملی" - اخذ علم و تکنیک غربی	۱۷۹
- عبدالرحیم طابوف	۱۸۲
- فخرالدین شادمان	۱۹۴

- ۲-۲-۳- بومی‌گرایی در تضاد با روایت "ملی" از تجدد ۲۰۵
- جمال‌الدین اسدآبادی و احیا و اتحاد اسلام ۲۰۹
- علی شریعتی و بازگشت به خویش ۲۲۸
- ۲-۲-۴- از نوسازی به تجدد: گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی متجدد ۲۴۸
- میرزا ملکم‌خان ۲۴۸
- پی‌گفتار: مدرنیته، تقدیر ماست ۲۷۹
- نمایه ۳۰۷

پیش‌گفتار

استقبال از صدمین سالگرد انقلاب مشروطیت هم از این رو ضروری می‌نماید که این انقلاب سرفصل غرورآمیز دوره‌ی نوینی در تاریخ ایران است که می‌توان از آن با دوره‌ی گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی متجدد یاد کرد؛ گذاری که جدا از سال‌های طولانی تدارک آن انقلاب، پس از صدسال از پیروزی اولیه‌اش همچنان تداوم دارد؛ تداومی که با بحران آمیخته است؛ و بحران‌هایی که جامعه را دچار تلاطمات ویرانگر کرده است.

گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی متجدد، طولانی شدن این دوره‌ی گذار در ایران و نیز علل طولانی شدن گذار که هرچند از نخستین شروع‌کنندگان آن بوده‌ایم اما دست‌کم در برخی زمینه‌ها در مراحل نخستین آن وامانده‌ایم را می‌باید از جنبه‌های مختلف بررسی کرد. در پاسخ به این الزام بود که تحلیل چگونگی مواجهه‌ی ایرانیان با موضوع گذار به جامعه‌ی متجدد و یا تجدید (مدرنیته) را در حوزه‌ی اندیشه‌ی سیاسی به‌عنوان هدف این پژوهش برگزیدم. تحقق این هدف مستلزم تحلیل انتقادی تحولات اندیشه‌ی سیاسی در دوره‌ی گذار یعنی تحلیل انتقادی اندیشه‌ی سیاسی معطوف به تجدید بود که آن را در مفهوم‌نوسازی (مدرنیزاسیون) سیاسی در مرکز توجه خود قرار دادم. در عین حال، از آن‌جا که تحلیل جریان‌ها و تحولات اندیشه‌ی سیاسی در دوره‌ی گذار هدف اصلی این بررسی بود به تحولات سیاسی ایران در این دوره فقط در حدی پرداختم که برای تحلیل انتقادی جریان‌های اندیشه‌ی سیاسی لازم می‌نمود.

در سنخ‌شناسی جریان‌های اندیشه‌ی سیاسی، چهار راهکار اصلی گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی متجدد را - آنچنان که در آرای روشنفکران صدر مشروطه قابل تشخیص بود - از یکدیگر تفکیک کرده و با تأکید بر اندیشه‌ی

سیاسی، به اجمال آرای چهار روشنفکر صدر مشروطه را بررسی کردم. این چهار روشنفکر یعنی میرزا فتحعلی آخوندزاده، عبدالرحیم طالیوف، سیدجمال‌الدین اسدآبادی و میرزا ملکم‌خان را نمایندگان برجسته‌ی آن چهار راهکار اصلی در صدر مشروطه می‌شناسم. پیش از آن اما الزامی می‌نمود تا برای تحلیل انتقادی این چهار راهکار و گاه مقایسه‌ی آن‌ها با یکدیگر، در آغاز بحثی نظری در موضوع گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی متجدد در جوامع غیرغربی را، آن هم با توجه عمده به حوزه‌ی سیاسی ارائه می‌دادم تا مشخص باشد از موضع کدام بینش نظری آرای روشنفکران صدر مشروطه در مورد مسئله‌ی گذار و نیز اندیشه سیاسی‌شان را تحلیل می‌کنم. پس فصل اول کتاب را به این بحث نظری اختصاص دادم.

در فصل اول به اختصار بحثی نظری در مورد چگونگی گذار از جامعه‌ی سنتی به جامعه‌ی متجدد در جوامع غیرغربی را با تأکید بر حوزه‌ی سیاسی، مطرح کرده‌ام. این بحث نظری را با دو مفهوم نوسازی (مدرنیزاسیون) و تجدد (مدرنیته) و ارتباط این دو در جوامع غیرغربی پیش برده‌ام و کوشیده‌ام الگویی به دست دهم تا با آن بتوان تحولات جامعه‌ی غیرغربی در این گذار را تبیین کرد. در عین حال لازم دیدم مباحث نظری تا حد ممکن به اجمال گفته شود و در پیگیری مطالب، گاه آرای برخی از اندیشمندان در چنین مباحثی طرح و در مواردی نقد شود تا مطالب این فصل انتزاعی نباشد. با این وجود، برای عینیت بخشیدن به موضوعات و استدلال‌های موردنظر یکی دوبار خود را مجبور دیده‌ام چند صفحه‌ای به مباحث انتزاعی سیاسی اختصاص دهم (مشخصاً در شرح جنبه‌هایی از نظرات هگل و مارکس در برخورد به رابطه‌ی جامعه‌ی مدنی و دولت). با این حال، از یک‌سو به این دلیل که ممکن است خواندن این مطالب ضروری تشخیص داده نشود و از سوی دیگر از آن‌جا که همچنان لازم می‌دانم برای مطالعه‌ی مباحث بعدی کتاب موضع نظری نویسنده برای خواننده آشکار باشد، چکیده‌ای از مباحث فصل اول را در آخر فصل (صفحات ۷۵-۷۸) آوردم. این چهار صفحه - بدون مطالعه‌ی کل فصل اول - دست‌کم خواننده را آماده می‌کند با نگاهی انتقادی فصل بعدی را مطالعه و یا اصلاً از خواندن بقیه‌ی

مطالب صرف‌نظر کند.

این الگوی نظری مطرح شده در فصل اول راهنمای تفکیک و ارزیابی چهار راهکار گذار در میان روشنفکران صدر مشروطه بود. فصل دوم کتاب به بررسی این چهار راهکار اختصاص دارد. در عین حال، چون ایران همچنان در دوره‌ی گذار تاریخی‌اش است، می‌توان دریافت که این راهکارهای پیشنهادی روشنفکران پس از صدر مشروطه هنوز نیز - هرچند با تحولاتی - از زمینه‌ی عینی برخوردار است و تداوم دارد. از این لحاظ به تداوم هریک از این راهکارها در آرای روشنفکران متأخر و معاصر - به جز راهکار چهارم - نیز پرداختیم. به‌طور مثال اگر آرای میرزا فتحعلی آخوندزاده را در چارچوب یکی از این راهکارها به اجمال بررسی کرده‌ام، برخی از آرای داریوش آشوری، موسی غنی‌نژاد و جواد طباطبایی را نیز در قالب همین راهکار سنجیده‌ام تا نوعی ادراک تاریخی از برخی جنبه‌های سیر و تحول اندیشه‌ی سیاسی در ایران دوره‌ی گذار ارائه کرده باشم.

پی‌گفتار کتاب شامل اشاره‌ای به مهم‌ترین مؤلفه‌های نوسازی سیاسی در امروز است. بالطبع در پی صدسال که از انقلاب مشروطیت می‌گذرد، هرچند که اهداف و غایات این انقلاب در جامعه‌ی ایران متحقق نشده اما در پی تحولات داخلی و جهانی، امروز نوسازی سیاسی با عناصر و مؤلفه‌هایی تبیین می‌شود که متمایز از همین عناصر و مؤلفه‌ها در صدر مشروطه است.

توجه به این نکته اهمیت دارد که ارزیابی انتقادی اظهارنظرهای اندیشمندان و پژوهشگران در این کتاب فقط در محدوده‌ی همان آرای از آنان است که در مورد مسایل دوره‌ی گذار ذکر می‌شود و به هیچ وجه گستره‌ای بیش از مطالب مورد بررسی در کتاب را دربر نمی‌گیرد.

به این نکته نیز اشاره کنم که تمامی تأکیدها در نقل قول‌های آورده شده از آثار متفکران و پژوهشگران، از من است؛ مگر که خلاف آن ذکر شده باشد.